اخبار

رهبر معظم انقلاب از کاروان ورزشی المپیک تشکر و قدردانی کردند

رهبـر معظم انقـلاب اسـلامی در پیامی از قهرمانـان مدال‌آور و همه ورزشـکاران و مربیان پرتلاش کاروان ورزشی جمهوری اسلامی ایران در رقابت‌های المپیک ۲۰۱۶ تشکر و قدردانی کردند. بـه نقل از پایگاه اطلاع‌رسـانی دفتر مقام معظم رهبری، حضرت آیـت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسـلامی در پیامی از قهرمانان مدال‌آور و همه ورزشکاران و مربیان پرتلاش کاروان ورزشی جمهوری اسـلامی ایران در رقابت‌های المپیک ۲۰۱۶ تشکر و قدردانی کردند.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسمه‌تعالی

بـه کاروان ورزشـی بازگشـته از المپیک؛ قهرمانانی که با مدال‌آوری دل ملت را شاد کردند؛ به پهلوانانی کـه از حق خود بر اثـر ناداوری‌ها محروم شـدند؛ به ورزشکارانی که عدم موفقیت آنان از ارزش تلاش و کوشش آنها نمی‌کاهد؛ به بانوان ورزشکاری که نشانه افتخارآمیز پوشش زن ایرانی را به رخ همگان کشیدند، به بانوی شجاعی که با حجاب کامل در پیشانی کاروان درخشید و به مربیان و پیشکسوتان ورزش کشور، خوشامد می‌گویم و از همه شما سپاسگزاری می‌کنم. قدر شما را می‌دانیم.

سیدعلی خامنه‌ای

خداداد عزیزی: به پلیس فتا شکایت می‌کنم

بازیکن اسـبق تیم‌ملی فوتبال گفت: من هیچ صفحه اینسـتاگرامی ندارم و در فضای مجازی فعالیتـی نمی‌کنم. خـداداد عزیزی در گفت‌وگـو با فارس، دربـاره مطلبی که در اینسـتاگرام از قول او منتشـر شده مبنی بر اینکـه انتقاداتی را علیه خواننـده زیرزمینی منتشر کرده، اظهار داشت: من باید بگویم هیچ صفحه اینستاگرامی ندارم و در فضای مجازی فعالیت نمی‌کنم. نمی‌دانم چه کسی هم این موضـوع را عنوان کرده و هدف او از منتشـر کردن این مطالب چیست. وی ادامه داد: باور کنید اصلاً نمی‌دانم چه اتفاقاتی رخ می‌دهد. من اصلاً از مسـائلی مثل فالوده، بسـتنی و فالوور سـر درنمی‌آورم! نسـبت به کسی که این صفحه را به نام من راه انداخته، شـکایت می‌کنم و می‌دانم پلیس فتا هم پیگیر اینگونه مسائل است.

روسیه حضور در پارالمپیک را از دست داد

فرجام‌خواهـی کشـور روسـیه دربـاره حضـور ورزشـکاران این کشـور در بازی‌های پارالمپیـک ۲۰۱۶ ریـو بی‌نتیجـه مانـد. به گزارش مهر، پس از اینکه کمیته ضددوپینگ اقدام به محرومیت کشـور روسیه از حضور در بازی‌های پارالمپیک کرد، مقامات ورزشی این کشـور اعتراض خود را به دادگاه عالی داوری در ورزش ارسـال کردند که مورد موافقت واقع نشـد. در تصمیمی که روز سه‌شنبه در دادگاه عالی داوری در ورزش واقع در لوزان سـوییس اتخاذ شـد، مقرر گردید هیچ ورزشکار روسی حق شرکت در پارالمپیک ریو را نخواهد داشت.

دهن‌کجی هواداران سلتیک به یوفا با کمک به مردم فلسطین

هواداران تیم فوتبال سلتیک با جمع‌آوری کمک‌های خیریه، اقـدام اتحادیه فوتبال اروپا را بـرای جریمه کـردن آنها در بـازی اروپایی اخیرشـان تلافی کردند. به گزارش تسـنیم، به‌دنبال جریمه شدن باشگاه سلتیک از سوی کمیتـه انضباطی اتحادیه فوتبـال اروپا (یوفا) به‌دلیل حمایت طرفدارانش از مردم فلسطین، هـواداران این تیم به شـیوه‌ای جالب به نهاد حاکم بر فوتبال قاره سـبز دهن‌کجی کردند و در یک اقدام خیریه برای مردم فلسطین کمک مالی جمع‌آوری کردند. صدها هوادار سلتیک چهارشنبه هفته گذشته قبل و در جریان بازی تیم محبوب‌شـان برابر نماینده رژیم اشغالگر قدس در دور رفت پلی‌آف لیگ قهرمانان اروپا، در خارج و داخل ورزشگاه سلتیک‌پارک، پرچم فلسطین را به اهتزاز درآوردند که این حرکت آنها از سوی یوفا یک اقدام سیاسی و غیرورزشی قلمداد و منجر به جریمه باشگاه سلتیک شد. هواداران سلتیک هم برای تلافی کردن مجازات یوفا، در یک کمپین اینترنتی برای جمع‌آوری ۷۵ هزار پوند کمک خیریه برای مردم فلسطین اقدام کردند که یکی از اهداف آن تأمین مخارج پزشکی و تأمین سلامت آن دسته از کسانی بود که قربانی حملات رژیم اشغالگر قدس شده‌اند. در عرض کمتر از ۲۴ ساعت پس از شکل‌گیری کمپین هـواداران سـلتیک، مبلغ کمک‌های خیریه‌ای که برای مردم فلسـطین جمع‌آوری شـد به بیـش از ۸۰ هزار پوند رسـید، یعنی ۵ هزار پوند بیـش از رقمی که در نظر گرفته شده بود.

ورزش ایران داستان مهاجرت‌ها به باکو را جدی بگیرد

فرار استعداد به بهانه پول

مهدی طاهرخانی: یک جمهوری ۲۵ ساله در شـمال غرب ایران با جمعیت تقریبی ۱۰ میلیون نفر رویاهای بزرگی را در سـر می‌پروراند. به نوعی شـاید شب‌ها خواب احیای چیزی مثـل عثمانی را می‌بینند و از این رو همزمان که در حال مهندسـی گذشـته‌اش با تحریف تاریخ است، به هر رسنی چنگ می‌اندازد تا حال و آینده‌اش را هـم آباد کند. یـک روز چـوگان را به اسـم خودشان به ثبت می‌رسـانند و روز دیگر شـاعر پارسی‌گو را به صرف دفن در گنجه، میراث خود می‌نامند، فارغ از اینکه به شهادت اکثر کارشناسـان حوزه ادبی، نظامی اصلا ترک‌زبان نبوده و شـعری هم به این زبان ندارد. البته از همان زمان اتحاد جماهیر شـوروی تلاش فراوانی بر ضبط او انجام پذیرفـت حتی یک دیوان با زبان ترکی هم به او بستند که در جعلی بودنش همین بس که خلیج‌فارس را با نام دیگری خطاب کنیم. آذری‌های غیرایرانی، همه تلاش خود را برای پیشینه‌سازی انجام می‌دهند اما دغدغه این نوشته گذشته دزدی نیست بلکه ما نگران آینده‌ای هستیم که به نم‌نمک در حال سرقت است و متاسفانه هیچ حرکت بازدارنده‌ای از سـوی مسؤولان کشورمان فراخور این دغدغه صورت نمی‌گیرد.

در طول سـال‌های اخیر در حوزه ورزش، بارها خبر مهاجرت ورزشکاران ایرانی مخابره شده است اما این دست از مهاجرت‌ها به چند نوع است؛ عده‌ای برای همیشه از ایران می‌روند و به بهانه زندگی بهتر، شانس خود را در غرب جست‌وجو می‌کنند. شاید نمونه دم‌دستی این اتفاق، حضور «راحله آسمانی» تکواندوکای ایرانی در کشـور بلژیک باشـد. بدون تردید او رفته تا باقـی عمرش را در غرب بگذراند. اما دسته دیگر ورزشکارانی هستند که اتوبوسی به جمهوری ۲۵ سـاله آذربایجان می‌روند. تعدادشان هم کم نیسـت. نه باکو وضعیت بهتـری از تهران دارد و نه آذربایجان بهشـت‌تر از ایران است. هیچ ورزشـکاری هم آنجا را برای ادامه زندگی انتخاب نمی‌کند، اینجا پای پول در میان است و عوض کردن پرچم هنگام مسـابقه. تا قبل از مسابقه تکواندوی مهدی خدابخشـی و میلاد بیگی در المپیک ریو، حساسـیت چندان زیادی روی این مهاجرت‌های صرفا مالی وجود نداشت، چرا که در چند سال اخیر در کشتی فرنگی، هرگاه ایرانی‌ها مقابل ورزشکاران ایرانی آذربایجان قـرار گرفتند، پیروزی با ما بود و از این رو حساسـیت زیادی ایجاد نشد. اما این بار قصه در تکواندو متفاوت بود. مهدی خدابخشی یک شکست بسیار تلخ و تحقیرآمیز مقابل میلاد بیگی متحمل شـد تا کاروان ایران شانس مدال ولو برنز خود را از دسـت بدهد و در سوی مقابل این بیگی بود که برای جمهـوری آذربایجان، یک برنز صید کرد. صحبت‌های رئیس فدراسیون تکواندوی ایران پس از این مسابقه و استفاده از کلمه «مزدور» برای بیگی نه مهماندوست، باعث شد موافقان و مخالفان در چند روز گذشـته مطالب متعددی در این باره بنویسند. بهتر اسـت از زاویه دیگر و با لایه‌برداری منصفانه به این پدیده نگاه کنیم.

در عالم ورزش، ورزشکاران متعددی را می‌بینیم که اصلیت‌شـان برای جای دیگری است اما بنا به دلایلی برای کشـور و پرچـم دیگری می‌جنگند. نمونه نخست ورزشکارانی هستند که از همان بدو تولد یا سنین بسیار پایین به کشور دیگری مهاجرت کردند و کلا محصول کشور دوم به حساب می‌آیند تـا زادگاه خویش. فریدون زندی و اشـکان دژاگه بهترین نمونه برای مثال هستند. آنها صفر تا صد پیشرفت خود را مدیون سیستم آموزشی کشور دوم هستند. از این رو اگر بر فرض مثال دژاگه هم‌اکنون بازیکن ثابت تیم‌ملی آلمان هم بود، نمی‌شد هیچ گلـه‌ای درباره ملیتش کرد ولو اینکه هم پدر و هم مادرش ایرانی باشـند. با این وجود بـه این دو در تیم‌ملی فوتبال آلمان فرصت نرسید و ترجیح دادند برای کشور اصلی خود بازی کنند.

نمونه دوم ورزشـکارانی هسـتند که بنا به هر دلیلـی (ولو ازدواج با یک خارجی) از کشـور خود مهاجرت می‌کنند. آنها بزرگ شـده کشور زادگاه هستند و طبیعتا تمام آموزش‌های خود را در کشور اصلی می‌بینند و به گونه‌ای مدیون آن هستند اما انسـان حق انتخاب دارد و آنها برای عوض کردن مسـیر زندگی خود به کشـور دیگری می‌روند. به عنوان مثال راحله آسـمانی تبعه بلژیک شد و این تکواندوکای ایرانـی را با پرچم بلژیک در المپیک دیدیم یا «تاتسیانا ایلیوشچانکا» که صفر تا صدش بلاروس اسـت اما به خاطر ازدواج با یک ایرانی، به کشور ما آمد و ترجیح داد برای ما وزنه پرتاب کند و حالا ما او را «لیلا رجبی» می‌شناسیم.

تا حدود زیادی ورزش جهان چنین مهاجرانی را در دل خود دیده است. اما یک نوع دیگر هم داریم که با دو نمونه قبلی تفاوت‌های بنیادین دارد. فرد در یک کشور به دنیا می‌آید؛ همه آموزش‌های لازم را در همان کشور می‌بیند، از زندگی در کشورش هم کاملا راضی است اما می‌خواهد مهارتش را بفروشد. به همه ورزشکاران کشـور قطر نگاه بیندازید. تقریبا پر از این دسته از ورزشکاران است که برای «پول» در گام نخسـت و سپس فرصت ملی‌پوش شـدن در وهله دوم، حاضر شدند به کشور زادگاه و سیستم آموزشـی‌ای که آنها را پروراند، پشت و بـرای پرچم دیگری افتخارآفرینی کنند. آنچه این روزها در ورزش ما رخ داده و متاسفانه بین حامیان و منتقدان جنگ بزرگی شکل گرفته است، دقیقا همین نوع سـوم است. سامان طهماسبی و صباح شریعتی برای پول بیشتر حاضر شدند پرچم ایران را بیندازند و پرچم آذربایجان را بر سر بگیرند. میلاد بیگی در صورتی که تا دو سـال قبل برای تیم‌ملی تکواندوی ما پا می‌زد، یک سال و نیم قبل به بهانه ادامه تحصیل به باکو رفت و به همین راحتی تابعیت آذربایجان را پذیرفت. برخلاف فوتبال که فیفا تاکید می‌کند اگر یک بار در تیم‌ملی بزرگسالان کشوری بازی کرده باشی، دیگر به هیچ عنوان اجازه تغییر تابعیت نداری، در سایر ورزش‌ها این محدودیت‌ها وجود ندارد. از این رو باید نگران موضوع آذربایجان بود. از سـویی داسـتان ورزشـکار و مربی کاملا با یکدیگر متفاوت است. مربی می‌تواند علمش را در اختیار هر کشوری قرار دهد و هیچ محدودیتی در این مورد وجود ندارد از این رو کسی نمی‌تواند ادعا کند رضا مهماندوست به ایران خیانت کرده است. اما داستان ورزشکار کاملا متفاوت است. آذربایجان می‌خواهد به هر قیمتی برای خودش، جایگاهی در ورزش جهان دسـت و پا کند از این رو بدون ترمز در هر رشته‌ای سـراغ ورزشکاران مختلف می‌رود. همانطور که بسیاری از کشتی‌گیران این کشور چه در فرنگی چه در آزاد کلا آذربایجانی نیسـتند. اما موضوع مهم نوع سیاستی است که مدیران و دست اندرکاران ورزش ما باید پیش بگیرند.

میـلاد بیگی همانند هـر انسـان آزادی حق انتخـاب دارد همانطور که هـر یک از ما مختاریم تصمیم بگیریم در کجای جهان زندگی کنیم. اما وقتی یک ورزشـکار به اسـم آزادی و حق انتخاب می‌تواند بـه راحتی به ملیت و خـاک مادری‌اش پشت کند، چرا کشور او باید همچنان تابعیت او را قبول داشته باشد؟ زدن برچسب «مزدور» در عالم ورزش به ورزشـکاران خوشـایند نیسـت، ولو اگـر آن ورزشـکار تنها برای پول بیشتر حاضر شده باشد پرچم کشور دیگری را در المپیک بالای سـرش ببرد و شـادمانی کند. اما با توجه به خطر بزرگی به اسـم جمهوری آذربایجان لازم اسـت کشور ما راهکاری بیندیشد که ورزشکاران دو تابعیتی، هزینه‌ای را متقبل شوند. آنها نه اطلاعات طبقه‌بندی شده نظامی ایران را فروختند که لازم‌المجازات باشـند و نه خیانتی را مرتکب شدند که مستحق انواع ناسزا باشـند. تنها می‌شود مثل خود آنها عمل کرد؛ وقتی ملیت ایرانی برای او مهم نیست چرا ایرانی بودن او برای ایران مهم باشـد؟ از این رو باطل کردن ملیت ایرانی این دست از ورزشکاران (نوع سوم) باید در دستور کار قرار بگیرد. اینگونه نباشد که او براحتی در ایران زندگی کند، از سیستم آموزشی ما در هر رشته ورزشی بیشترین بهره را ببرد اما وقتی هنگام مسابقات جهانی و المپیک می‌شود بیاید و رودرروی کشور ما قرار بگیرد.

اگر آنها پشـت در سفارت ایران در فلان کشور معطل شوند تا ویزای حضور در خاک مادری‌شان را بگیرند یا اینکه بیشتر از یک مدت محدود نتوانند در ایران اقامت کنند، آن وقت کمترین بها را برای انتخاب آزادشان پرداخت کرده‌اند. صباح شریعتی و میلاد بیگی برای جمهوری آذربایجان در کشتی فرنگی و تکواندو ۲ مدال برنز آوردند، قطعا دلارهای فراوانی را بابت این کار بزرگشـان خواهند گرفت (نوش جانشـان) بویژه برای آن لحظه‌ای که پرچم جمهوری آذربایجان را بر سـر گرفتند و در سالن دور افتخار زدند. اما بهای این انتخاب باید پرداخت شود. تا امروز متاسفانه در مجلس ما هیچ قانونی در این باره وضع نشده اما حالا وقتش رسیده برای کم کردن این سیل مهاجرت‌ها که شاید بشود نام «فرار استعداد» را رویش گذاشت، کاری انجام داد. کسی خبر دارد اصلا این ورزشـکاران همچنان یارانه هم می‌گیرند یا نه؟

اینکه مخالفان این ورزشـکاران به آنان مزدور بگویند صحیح و اخلاقی نیسـت و از سوی دیگر موافقـان هم بخواهند با قاطی کردن هر سـه نوع مهاجرت، همه چیـز را عادی و محصول مدرنیته بدانند هم اشتباه محض است.

همانطور که در جام‌جهانی ۲۰۱۴ هرگاه دیگو کاستای صددرصد برزیلی، با پیراهن تیم‌ملی فوتبال اسپانیا در استادیوم فونته نووا صاحب توپ می‌شد از سوی هم‌میهنانش شدیدا مورد تسمخر و شماتت قرار می‌گرفت یا هرگاه مسعوت اوزیل (مهاجر نوع اول) بـا تیم‌ملی آلمان مقابل ترکیه قرار می‌گیرد، بیشترین ناسـزاها را می‌شـنود یعنی انسان حق انتخاب دارد اما هر انتخابی شاید بهای منفور شدن پیش یک ملت را داشته باشد و چه دردی بالاتر از اینکه قهرمان و نخبه باشی اما با تمام وجود مردمت از تو متنفر باشند.

کیوسک

میرر
بازگشت جان تری

کوریره
اینتر زنگ ها را به صدا در آورد

گاتزتا
اوضاع اضطراری

آ.اس
آسنسیو مقابل خامس و ایسکو

حنیف هرگز به استقلال بازنمی‌گردد

پادووانی و عقیلی در لیست انتظار

حضور ناگهانی منصوریان در بابل باعث شد شایعه بازگشت حنیف عمران‌زاده به استقلال رسانه‌ای شود. با این وجود نه منصوریان علاقه‌ای به این بازگشـت دارد و نه باشـگاه استقلال هیچ برنامه‌ای در این‌باره اتخاذ کرده است. عملکرد عجیب آبی‌ها در خط دفاع و خوردن گل‌های فراوان باعث شد سرانجام کادر فنی این تیم به فکر تقویت این منطقه بیفتد. مصدومیت و عمل جراحی محمدحسین کنعانی‌زادگان همان فرصتی بود که منصوریان به دنبالش می‌گشت. این مدافع جنجالی و گرانقیمت هرگز نتوانست انتظارات را برآورده کند از این‌رو مصدومیتش این فرصت را به کادر فنی داد تا آبی‌ها با بیرون کردن او از لیست به دنبال یک مدافع دیگر باشند. گزینه شماره یک این پسـت پادووانی برزیلی است. قرار است فیفا بزودی وضعیـت این بازیکن را مشـخص کند تـا مدیران اسـتقلال بدانند او بازیکن آزاد محسوب می‌شود یا نه. از سـوی دیگر منصوریان در نظر دارد اگر بنا به هر دلیلی پادووانی به استقلال نیامد، از هادی عقیلی در این پست بهره ببرد. از این‌رو در برنامه‌های او هیچ خبری از عمران‌زاده نیسـت. اما چرا ناگهان شایعه حنیف و بازگشتش به استقلال به سر زبان‌ها افتاد؟ ماجرای شایعه بازگشت او به استقلال به سفر چند روز پیش منصوریان به بابل برای تماشای بازی خونه به خونـه برابر بادران تهـران بازمی‌گردد؛ جایی که گفته می‌شـود او با منصوریان جلسه‌ای برگزار کرد و در آنجا بحث‌هایی درباره بازگشـت عمران‌زاده به استقلال مطرح شـد. با این حال عمران‌زاده گزینه اول خط دفاعی اسـتقلال نیسـت و در صورتی که جذب پادووانی به هر دلیلی عملی نشـود، استقلال از بیـن او و هادی عقیلی یکـی را انتخاب می‌کند. البته با توجه بـه اختلاف بین رحمتی و عمران‌زاده کمی بعید به نظر می‌رسد او به این راحتی‌ها بتواند با استقلال قرارداد امضا کند. مهدی رحمتی بازیکن بسـیار مهمی برای منصوریان محسوب می‌شود و بی‌تردید کاری نمی‌کند که کاپیتان تیمش را دلخور کند و از همه اینها گذشـته بازگشت عمران‌زاده به استقلال این موضوع را تایید می‌کند که منصوریان در خروج نام این بازیکن از لیست تیمش اشتباه کرده اسـت که این موضوع در این شـرایط ممکن است وجهه او را در بین هواداران اسـتقلال خراب کند. از سوی دیگر باشـگاه خونه به خونه اعلام کرده حتی اگر اسـتقلال هم خواهان حنیف باشد، آنها به هیچ عنوان اجازه این بازگشـت را صادر نمی‌کنند. علی امیری در این‌باره گفته اسـت: «حنیف کاپیتان تیم ما است و خبر بازگشت او به استقلال دروغ رسانه‌ای اسـت. منصوریان به دعوت خود ما به باشگاه آمد و اصلا پیشـنهادی درباره بازگشـت عمران‌زاده نداده است. حساب ویژه‌ای روی حنیف بازکرده‌ایم و اجازه جدایـی را به او نخواهیم داد». از این رو بهتر اسـت هواداران استقلال چندان به این اخبار توجه نکنند. از بیـن پادووانی و هادی عقیلی یک نفر جانشـین محمدحسین کنعانی‌زادگان می‌شود.

یادداشت

طلای برزیل، تأثیر ایگوآین، تکرار کاستا و شروع جذاب سامپائولی

گابریله مارکوتی: چلسـی دومین بازی‌اش در لیگ برتر را هم با نتیجه ۲ بر یک، این بار مقابل واتفورد بـرد. این بازی نکات مثبـت زیادی از جمله روحیه جنگنده تیم داشت اما در ضمن همراه بود با صحنه‌هایی از ضعف شدید دفاعی، بویژه سر گل اتین کاپو. والتر ماتزاری برای حدود ۷۰ دقیقه دست آنتونیو کونته را بسته بود. بعد هر ۳ تعویض کونته، میشی باتشوایی، سسک فابرگاس و ویکتور موزز تاثیرگذار شـدند و در نهایت چلسی از شکسـت بازگشت و پیروزی سـاخت. وقتی چنین اتفاقـی می‌افتد معمولا مربی را برای دید و تصمیمش تحسین می‌کنیم اما برای چلسـی بهتر است که اصلا در چنین شرایطی قرار نگیرد که مجبور به بازگشت شود. نکته مهم دیگر دیگو کاستا بود که در حالی که یک کارت زرد به خاطر اعتراض و بی‌احترامی به داور گرفته بود، خوش‌شـانس بود که به خاطر دایوش اخطار دوم را نگرفت. گویا چلسی دنبال ۲ خرید دیگر اسـت؛ یک مدافع مرکزی و یک مهاجم. اما بد نیست چند کلمه‌ای هم با کاستا حرف بزنند. این دومین‌بار در ۲ بازی اسـت که کاسـتا خودش را تا مرز اخراج پیش می‌برد. به هر حال به قول قدیمی‌ها بالاترین کیفیت «در دسترس بودن» است. چلسی نیاز دارد کاستا را در زمین داشته باشـد. در ایتالیا، در هفته اول سری A گونزالو ایگوآین جوابی محکم به تمام جوک‌هایی که درباره چاق شدنش ساخته بودند داد. ایگوآین در نیمـه دوم مقابل فیورنتینا به بازی رفت، خودش را نامرئی کرد و بعد در یک لحظه از راه رسید و ضربه برگشتی سامی خدیرا را وارد دروازه چیپرین تاتاروسـانو کرد و باعث پیروزی ۲بر یک یوونتوس شـد. این نمایشی کلاسیک از ایگوآین بود. حالا جای ایگوآین باید در ترکیب یووه تعریف شود. یووه حتی قبل از به بازی آمدن او هم کاملا برتر بود و گل تساوی فیورنتینـا برخلاف جهت بازی بود. به این تیم کلودیو مارکیزیو هم وقتی مصدومیتش به پایان برسد اضافه خواهد شد و میرالم پیانیچ هم در ترکیـب اصلی بازی خواهد کـرد. البته مکس آلگری دنبال یک خرید دیگر هم است. ساختن یک تیم از این همه بازیکن جدید زمان می‌برد امـا وقتی اتفاق بیفتد تیمی قدرتمند خواهیم دید. این هفته لالیگا هم شـروع شد و سویای خورخه سـامپائولی در اولین قدم، هوادارانش- از جملـه خود من- را ناامید نکرد. من از وقتی سـال‌ها پیش بازی‌های یونیورسیداد را تماشا می‌کردم به سـامپائولی علاقه‌مند شـدم، بعد شیلی‌اش مسحورم کرد. برای همین از حضور او در سویا بسیار هیجان‌زده‌ام. سویا در هفته اول در حالی که در طول ۹۰ دقیقه ۳ بار از اسپانیول عقـب افتاد در نهایت با نتیجه ۴-۶ به پیروزی رسید. فرانکو وازکز و پابلو سارابیا ستاره‌های تیم بودند، ماریانو و هیروشـی کیوتاکه هم نمایش خوبی داشتند. البته فکر نکنید فوتبال سامپائولی فقط حمله کردن انتحاری است. نه! کنترل بازی و استحکام دفاعی بخشی مهم از فلسفه فوتبال او است، بخشـی که برای رسیدن به آن زمان بیشتری لازم دارد اما وقتی تیم سامپائولی کامل شود، باقی تیم‌ها باید خیلی حواس‌شان را جمع کنند. اما برزیل و مدال طلای المپیک؛ من این به تمسخر گرفتن خوشحالی و هیجان برزیلی‌ها بعد از پیروزی‌شـان مقابل آلمـان در ضربات پنالتـی را درک نمی‌کنم. درسـت اسـت این پیروزی شکست ۱-۷ در نیمه نهایی جام‌جهانی را پاک نمی‌کند و درست است فوتبال المپیک همین اسـت که هسـت، تورنمنتی برای زیر ۲۳ سـاله‌ها به علاوه ۳ بازیکن بالای ۲۳. اصلا حتی نباید به فکر مقایسـه فوتبال المپیک با تورنمنت‌های ملی دیگر باشیم. اما خب که چه؟ به هر حال این تیم‌ها هنوز نماینده کشورشان هسـتند و برای برزیلی‌ها کـه فوتبال اهمیت اندک بیشتری نسبت به کشورهای دیگر دارد، این قهرمانی مهم بود. مسخره کردن چیزی که برای بقیه اهمیت دارد کاری ناخوشایند است. بعضی‌ها جوری از خوشحالی و جشن برزیلی‌ها، هـم بازیکنان و هم مـردم، انتقـاد کردند که انگار می‌خواسـتند بگویند آنها خبر ندارند این جام‌جهانی نیسـت و طلای المپیک کمکی به وضعیت به هم ریخته فوتبال‌شان نمی‌کند.

بـه نظر من اینطـور نیسـت. برزیلی‌ها از وضعیت نامساعد تیم ملی و وضعیت آشوب‌زده لیگ‌شان باخبرند و در ضمن با خبر بودند که آلمان بهترین بازیکنانش را به المپیک نیاورده اسـت اما همچنان این بازیکنان برزیلی‌هایی بودند که هموطنان‌شان تشویق‌شان می‌کردند، ماراکانا همچنان ماراکانا بود و این تورنمنتی بود که آنها هرگز نبرده بودند. جشـن این پیروزی هیچ اشـکالی ندارد اما مسـخره کردنش پر از اشکال است.